

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

تحلیل شعر مهاجرت افغانستان

نگارش: گل‌نسا محمدی

استاد راهنما: دکتر محمدحسن حسن‌زاده نیری

استادان مشاور: دکتر عباسعلی وفایی و دکتر محمدحسن حائری

رساله برای دریافت درجه دکتری

در رشته زبان و ادبیات فارسی

بهمن ماه ۱۳۹۰

چکیده:

افغانستان در فاصله سال‌های ۱۲۹۴ش تا ۱۳۵۷ش (بیشتر از نیم قرن) دستخوش تحولات سریع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. روی کار آمدن حکومت‌های دست‌نشانده و غالباً در پی توطئه و کودتا، ظلم و ستم به مردم، فساد اداری، وضع قوانین جدید، تغییر قانون اساسی، قلع و قمع دانشمندان و روشنفکران، تبعیض‌های زبانی، نژادی و دینی، اصلاحات شتابزده، افکار کمونیستی سردمداران حکومتی و سرانجام زیاده‌خواهی‌های مجاهدان، همگی، دست به دست هم دادند تا بسیاری از شاعران و ادیبان افغانستان، بار هجرت بریندند.

بدین ترتیب، ادبیاتی خارج از مرزهای افغانستان به نام «ادبیات مقاومت» و پس از آن «ادبیات مهاجرت افغانستان» شکل گرفت. ادبیاتی که روند رو به رشدی داشت و از همان بدو تولد، به سرعت بالید و تبدیل به شاخه‌ای نیرومند و پر بار از درخت شعر فارسی گردید.

شاعران در جای جای دنیا مسکن گزیدند و هر یک در حدّ توان و وسع خود شروع به آفرینش هنری کردند. آفرینشی برخاسته از تجربیات راستین و عمیق در پس سال‌ها جنگ و بی‌خانمانی. این تحقیق، عمدتاً به بررسی اشعار سی شاعر مهاجر افغانستان می‌پردازد.

رویکرد این رساله، رویکردی سبک‌شناختی است و شعر شاعران مهاجر از سه دیدگاه محتوایی، ادبی و زبانی مورد بررسی قرار گرفته و در پی آن، نگارنده به نتایجی دست یافته است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات معاصر افغانستان، شعر مهاجرت، شاعران مهاجر، عشق، جنگ، تصویرگری، ترکیب‌سازی.

فهرست مطالب:

- ۱ - فصل اول
- ۲ - نگاهی به تاریخ ادبیات معاصر افغانستان
- ۴ - امیرشیرعلی خان
- ۶ - حبیب‌الله خان
- ۷ - محمود طرزی و سراج‌الاکهار
- ۹ - امان‌الله خان
- ۹ - مجله کابل
- ۱۰ - انجمن تاریخ و دایره المعارف آریانا
- ۱۱ - مجله ادب
- ۱۱ - مجلات دیگر
- ۱۲ - محمدظاهر شاه
- ۱۴ - محمدداود خان
- ۱۵ - نورمحمد تره‌کی
- ۱۶ - نجیب‌الله
- ۲۰ - کارمل
- ۲۱ - ادبیات مقاومت افغانستان
- ۲۲ - تقسیم‌بندی شعر مقاومت افغانستان
- ۲۲ - ادبیات مهاجرت
- ۲۵ - تقسیم‌بندی شعر مهاجرت افغانستان

۲۷ پی‌نوشت‌های فصل اول
۲۹ جدول تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان قبل از ظهور شعر مهاجرت
۳۵ فصل دوم
۳۶ معرفی شاعران این مجموعه
۳۷ آئینه
۳۷ آذر مهر
۳۷ آروین
۳۸ ابراهیمی
۳۸ احمدی
۳۸ الهام
۳۹ باختری
۴۰ بارق شفیعی
۴۱ پژواک
۴۲ تحسین
۴۲ توفیق
۴۳ حسن‌زاده
۴۳ حسینی
۴۴ حیدری وجودی
۴۵ خلیق
۴۶ رحیمی
۴۶ رضاپور
۴۶ رهگذر

- ۴۷ - صراحت روشنی
- ۴۸ - طالب قندهاری
- ۴۹ - فارانی
- ۴۹ - فانی
- ۵۰ - فروغ
- ۵۰ - کاظمی
- ۵۱ - لایق
- ۵۱ - مایل هروی
- ۵۲ - مجیر
- ۵۳ - نادری
- ۵۴ - نوید
- ۵۵ - نهمت
- ۵۶ - پی‌نوشت‌های فصل دوم
- ۵۷ - فصل سوم
- ۵۸ - موضوع‌های مهم شعر مهاجرت افغانستان
- ۶۰ - عشق
- ۶۲ - عشق مجازی
- ۶۳ - عاشق منتظر
- ۶۵ - یار پیمان‌شکن
- ۶۶ - جنگ
- ۶۸ - اوضاع وطن در زمان جنگ
- ۶۹ - اثرات جنگ

- ۷۰ انکار جنگ
- ۷۰ نتیجه
- ۷۲ غربت و آوارگی
- ۷۳ تمثیل غریب
- ۷۴ نتیجه
- ۷۵ انتقاد از روزگار و مردمان آن
- ۷۷ برخی خصایل مردمان امروز
- ۷۹ نتیجه
- ۷۹ وطن
- ۸۰ جشن آزادی
- ۸۲ نتیجه
- ۸۳ شب
- ۸۷ این هستی بیهوده
- ۸۹ شعر
- ۹۰ شاعری
- ۹۱ شعر مذهبی
- ۹۴ آزادی
- ۹۵ نقد آزادی و دموکراسی
- ۹۵ تقابل زهد و رندی
- ۹۶ عرفان
- ۹۸ سکوت و خاموشی

- ۹۹ طبیعت -
- ۱۰۱ دعوت به پیشرفت و سازندگی -
- ۱۰۱ صفات رذیله اخلاقی -
- ۱۰۲ غم -
- ۱۰۳ تنهایی -
- ۱۰۴ وصف شهرهای افغانستان -
- ۱۰۶ عقاید و آداب و رسوم -
- ۱۰۷ بی‌آرزویی -
- ۱۰۸ سرگردانی -
- ۱۰۹ تردید و بی‌باوری -
- ۱۰۹ طالبان -
- ۱۱۰ غفلت -
- ۱۱۰ ناسازگاری روزگار -
- ۱۱۱ شعر زنانه -
- ۱۱۲ بازگشت به وطن -
- ۱۱۲ زندگی -
- ۱۱۳ طنز -
- ۱۱۴ مادر -
- ۱۱۴ هوس -
- ۱۱۵ اتحاد و یکپارچگی -
- ۱۱۶ سیاست -

- ۱۱۷ صدافت و یکرنگی
- ۱۱۷ دعوت برای امیدورزی
- ۱۱۷ انتظار یک منجی
- ۱۱۸ کودکان دستفروش
- ۱۱۹ پرسش «بودن»
- ۱۱۹ جهل
- ۱۱۹ حسرت رویش و سبز شدن
- ۱۲۰ مقام شهید
- ۱۲۰ ناامیدی
- ۱۲۱ هجرت
- ۱۲۱ مواردی که تنها یک بار بدانها اشاره رفته است
- ۱۲۸ پی‌نوشت‌های فصل سوم
- ۱۳۰ نتیجه کلی فصل سوم
- ۱۳۳ فصل چهارم
- ۱۳۴ کاربردهای بیان و بدیع در شعر مهاجرت افغانستان
- ۱۳۵ کاربردهای تشبیه و استعاره در شعر مهاجرت افغانستان
- ۱۳۵ تشبیه
- ۱۳۵ تشبیه به اعتبار طرفین
- ۱۳۷ تشبیه خیالی
- ۱۳۷ تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن
- ۱۳۹ تشبیه تمثیل
- ۱۳۹ تشبیه به صورت اضافه

- ۱۴۰ تشبیه موقوف‌المعانی
- ۱۴۰ تشبیه در تشبیه
- ۱۴۱ انواع تشبیه به لحاظ شکل
- ۱۴۴ تشبیه حماسی
- ۱۴۵ استعاره
- ۱۴۵ استعاره مصرحه
- ۱۴۷ استعاره مکنیه یا بالکنایه
- ۱۴۸ پرسونیفیکاسیون (تشخیص) ..
- ۱۴۸ آنیمیسیم یا جاندار انگاری
- ۱۴۹ استعاره تبعیه
- ۱۴۹ فورگراندینگ یا برجسته‌سازی
- ۱۴۹ استعاره از حیث جامع
- ۱۵۰ نتیجه
- ۱۵۳ کاربردهای بدیع در شعر مهاجرت افغانستان
- ۱۵۳ بدیع لفظی
- ۱۵۳ روش تسجیع
- ۱۵۳ روش تسجیع در سطح کلمه
- ۱۵۳ روش تسجیع در سطح کلام
- ۱۵۴ روش تجنیس
- ۱۵۴ روش تجنیس در سطح کلمه
- ۱۵۴ ۱- جناس تام
- ۱۵۵ ۲- جناس مرکب

- ۳- جناس مضارع ۱۵۵
- ۴- جناس خط یا تصحیف ۱۵۶
- ۵- جناس ناقص یا محرف ۱۵۶
- ۶- جناس اشتقاق یا اقتضاب ۱۵۶
- ۷- جناس اشتقاق ۱۵۷
- ۸- جناس زاید ۱۵۸
- جناس مطرف یا مزید ۱۵۸
- جناس وسط ۱۵۸
- جناس مذیل ۱۵۸
- ۹ - جناس قلب یا مقلوب ۱۶۰
- روش تکرار ... ۱۶۰
- ۱- تکرار واک یا واج آرایبی ۱۶۰
- ۲- تکرار هجا ۱۶۱
- ۳- تکرار واژه ۱۶۱
- ۴- تکرار عبارت یا جمله ۱۶۲
- بدیع معنوی ۱۶۲
- ۱- مبالغه و اغراق ۱۶۲
- ۲- جمع ۱۶۲
- ۳- تجاهل العارف ۱۶۳
- ۴- ارسال المثل یا تمثیل ۱۶۳
- ۵ - تجسم ۱۶۳
- ۶- حرف گرائی ۱۶۴

- ۱۶۴ - بدل بلاغی .
- ۱۶۴ - روش تناسب .
- ۱۶۴ ۱- مراعات النظير ..
- ۱۶۵ ۲- تناسب گريزى ..
- ۱۶۵ ۳- تضاد ..
- ۱۶۶ ۴- پارادوكس يا متناقض نما ..
- ۱۶۶ ۵- حس آميزى .
- ۱۶۶ ۶- تلميح ..
- ۱۶۷ ۷- ارساد و تسهيم ..
- ۱۶۷ ۸- حشو مليح ..
- ۱۶۷ ۹- عقد ..
- ۱۶۹ ۱۰- جابه جايى صفت ..
- ۱۶۹ ۱۱- صدامعنائى ..
- ۱۶۹ ۱۲- رجوع ..
- ۱۷۰ - روش ايهام ..
- ۱۷۰ ۱- ايهام ..
- ۱۷۰ ۲- ايهام تناسب ..
- ۱۷۱ ۳- ايهام تبادر ..
- ۱۷۱ - نتيجه فصل چهارم ..
- ۱۷۲ - پي نوشت هاى فصل چهارم ..
- ۱۷۳ - فصل پنجم ..
- ۱۷۴ - بررسى سطح زباني در شعر مهاجرت افغانستان ..

- ۱- سطح آوایی یا سطح موسیقایی ۱۷۵
- الف - موسیقی بیرونی ۱۷۵
- وزن ۱۷۵
- قافیه ۱۷۸
- ردیف ۱۷۹
- ب - موسیقی درونی ۱۸۰
- نگاهی به دگرگونی واجها و حروف ۱۸۰
- تخفیف (کاهش) ۱۸۰
- ابدال ۱۸۳
- ابدال و تخفیف ۱۸۵
- افزایش ۱۸۷
- ابدال و افزایش با هم ۱۸۷
- ۲- سطح لغوی ۱۸۷
- الف - لغات عربی ۱۸۷
- ب - لغات بیگانه ۱۸۸
- ترکیب‌سازی یا تراش‌دادگی یا ضرب لغت ۱۹۲
- اسم ۱۹۳
- صفت ۲۰۰
- ۳- سطح نحوی ۲۱۳
- جمله عادی، جمله فشرده، جمله گسترده ۲۱۳
- ساختمان جمله ۲۱۴
- جمله بسیط ۲۱۴

- ۲۱۵..... - جملهٔ مرکب و جمله‌واره
- ۲۱۵ - اقسام جمله‌های مرکب
- ۲۱۵..... - جملهٔ مرکب پیوسته یا همسانی
- ۲۱۵ - جملهٔ مرکب وابستگی با حروف ربط وابستگی
- ۲۱۶ - جمله‌وارهٔ پایه و پیرو
- ۲۲۱ - ساختمان فعل
- ۲۲۱..... - فعل بسیط
- ۲۲۴..... - فعل پیشوندی
- ۲۲۵..... - ساختمان فعل مرکب
- ۲۳۴..... - برخی نکات
- ۲۳۷ - پی‌نوشت‌های فصل پنجم
- ۲۳۸ - نتیجه‌گیری پایانی
- ۲۴۰..... - شکل ۱-۳ (فراوانی موضوع در شعر مهاجرت افغانستان)
- ۲۴۱..... - شکل ۲-۳ (فراوانی موضوع در شعر مهاجرت افغانستان)
- ۲۴۲ - فهرست منابع و مآخذ
- ۲۴۸ - نام کسان
- ۲۵۴ - نام جای‌ها
- ۲۵۷ - چکیدهٔ انگلیسی
- ۲۵۸ - عنوان انگلیسی

فصل اول

نگاهی به تاریخ ادبیات معاصر افغانستان

نگاهی به تاریخ ادبیات معاصر افغانستان

ادبیات معاصر افغانستان با پشت سر گذاشتن یک دوره نود ساله انحطاط و فترت ادبی آغاز می‌شود. در این دوره (۱۱۸۹ش-۱۲۷۶ش) کشور صحنه چپاولها و غارت‌های میراث‌خواران حکومتی است و همزمان انگلیسی‌ها تجاوز خود را به افغانستان آغاز کرده‌اند. (رضوی، «سرگذشت دردناک فارسی در افغانستان معاصر» ۱۷۴)

میرغلام محمد غبار، تاریخ‌نویس بزرگ افغانستان، در توصیف این دوره می‌گوید: «مدارس انگشت شماری که در بعضی شهرهای مملکت باقی مانده بود، فقط به تدریس فقه حنفی و صرف و نحو و بعضاً حدیث و گاهی هم حکمت قدیم می‌پرداخت. اطفال افغانستان در مساجد، معدودی از کتب: **کریم‌ا، حافظ، سعدی و انوار سهیلی** می‌خواندند. محاسبین مملکت رساله‌های **خلاصه الحساب و انشاء ترسل** می‌خواندند. در شهرها مردم باسواد داستان‌های **شاهنامه فردوسی، سکندرنامه، امیر حمزه و شهزاده ممتاز** در سر بازار می‌شنیدند. در دهات مملکت، افسانه‌های **چارپری و ورقه و گلشاه** خوانده می‌شد. **صوفیون مثنوی مولوی، قصص الانبیاء، تذکره الاولیاء و ادبا بیدل و یوسف و زلیخا و امرا تاریخ فرشته و روضه الصفا** مطالعه می‌کردند. [برای پادشاهان کتابخوان‌های مخصوص و افسانه‌گویان حضور داشتند که یکی از کتب تاریخی می‌خواند و دیگری افسانه می‌گفت. بزرگ‌زادگان هم بیشتر از سواد و تحصیل، به شکار و سواری و تیراندازی مایل بودند.] (غبار، تاریخ ادبیات افغانستان ۲۴۴-۲۴۵)

در این دوران، افغانستان از وجود شاعران و نویسندگان توانا خالی شد. کسانی مانند **کمال‌الدین بنائی هروی، زین‌الدین محمود واصفی، صاحب بدایع الوقایع، فخرالدین علی صفی، پسر واعظ کاشفی صاحب رشحات و حافظ سلطان علی اوبهی** صاحب فرهنگ **اوبهی** به ماوراءالنهر کوچیدند. جمعی دیگر نظیر **خواندمیر، مورخ حبیب‌السیر و فخری هروی** مترجم **لطایف‌نامه** و صاحب **روضه السلاطین** و ... رهسپار هند گردیدند. (ر.ک: غبار، افغانستان در مسیر تاریخ ۵۷۳ به بعد)

در حدود دو قرن، در افغانستان آنقدر پادشاهان، پادشاه‌زادگان و امیران بر تخت سلطنت تکیه زده، آمده‌اند و رفته‌اند که اگر نگارنده تنها هم خود را معطوف به ذکر احوال و اعمال آنها کند، خود رساله‌ای دیگر خواهد بود. آنچه می‌توان در ارتباط با این دو قرن گفت، این است که سرزمین افغانستان در این دوران، شاهد قدرت‌نمایی‌ها و توطئه‌چینی‌ها و جنگ‌ها بوده است. امیری بر تخت پادشاهی تکیه می‌زده، پس از مدتی شروع به فتح شهرها یکی پس از دیگری می‌کرده، قوانین نامتعارفی وضع می‌کرده و انواع ظلم و ستم را بر مردم بی‌دفاع روا می‌داشته ... اگر دوران امارتش به طول می‌انجامیده، زراعت و تجارت اندکی جان می‌گرفته و مساجد و مدارس در شهرها رونقی می‌یافته ... که ناگاه در پی توطئه و کودتای امیری دیگر، شاه از تخت به زیر می‌افتاده ... و باز افغانستان دستخوش خودخواهی‌ها و تصمیمات شتاب‌زده امیر جدید می‌گشته است. آنچه قابل تعمق است این است که وقتی حکومتی در

پی کودتا و توطئه بر سرکار می‌آید، آتش بغض و کینه حکومت قبلی هیچگاه خاموش نمی‌شود. همین است که افغانستان سال‌ها درگیر جنگ‌های داخلی، پدرکشی و برادرکشی بوده است.

خاندان‌های ابدالیان، محمدزائیان، بارکزائیان و مصاحبان در مدت این دو قرن در رأس قدرت بودند. گاه از یک خاندان، به طور همزمان چندین برادر به صورت ملوک‌الطوایفی حکومت می‌کردند که اغلب در بین برادرها آتش جنگ‌ها شعله‌ور بود. امرای سند و پنجاب هم گاه گاه در امور داخلی یا سرحدی (امور مرزی) دخالت می‌کردند و چنین اوضاعی چشم طمع انگلیسی‌ها را نیز به خود معطوف می‌داشت.

بدین ترتیب، در افغانستان از یک طرف درگیر برادرکشی‌های امیران و حکومت ملوک‌الطوایفی بود و از طرف دیگر جنگ اول و دوم با انگلیسی‌ها و اثرات جبران‌ناپذیر این جنگ‌ها، بیش از پیش بر فرهنگ و اوضاع ادبی کشور وارد می‌شد و نیز مردم بی‌دفاع افغانستان که قربانی جهل و ظلم سردمداران حکومتی بودند. مثلاً در زمان پادشاهی دوم امیر دوست‌محمد خان از خاندان محمدزائی در فاصله بیست ساله پادشاهی‌اش (۱۲۱۶ش-۱۲۳۶ش)، «یک قدم در راه تمدن و فرهنگ و زراعت و صنعت و تجارت و عمارت برداشته نشد. او در بیست سال پادشاهی‌اش دوازده جنگ در داخل کشور داشت.» (غبار، افغانستان در مسیر تاریخ ۵۷۵) می‌بینیم که در چنین شرایطی، اوضاع ادبی افغانستان بیش از پیش رو به اضمحلال و نابودی گذاشت. هر آنچه که از قدیم مانده بود، یا در آتش جنگ‌ها و جهل‌ها سوخت و یا به فراموشی سپرده شد.

در بین امیران حاکم در این دوران، بودند کسانی که اگر اندک فرصتی می‌یافته‌اند، گاه گاهی در زمینه رشد و ترقی اوضاع ادبی کشور قدم‌هایی سست و لرزان برمی‌داشته‌اند. یکی از این امیران، امیر شیرعلی خان است. او «امیر روشن‌فکر» خوانده می‌شده و از مشورت‌های سید جمال‌الدین افغانی هم بهره‌ها جسته است. (رضوی، «سرگذشت دردناک فارسی در افغانستان معاصر» ۱۷۵) اولین قدم در راه ایجاد آشنایی مردم افغانستان با دگرگونی‌های دنیای خارج در زمان این امیر به وسیله انتشار روزنامه «شمس النهار» برداشته شد.^۱ چون مطالب مربوط به کشورهای دیگر از هر قبیل در این روزنامه از طریق ترجمه چاپ می‌شد، می‌توان گفت که اساس ترجمه نیز در همین عهد گذاشته شد. (مولایی ۱۲)

امیر دو مدرسه نظامی و ملکی تأسیس نمود. برای نخستین بار چند چاپخانه سنگی از هند وارد کرد. برای نخستین بار روزنامه در افغانستان انتشار یافت و چند کتاب برای تعلیم عساکر و غیره ترجمه و طبع گردید. اما این همه در اثر تعرض انگلیسی‌ها به زودی از بین رفت.

سرداران افغانستان نه تنها در امور داخلی بلکه در عرصه امور سیاست خارجی نیز ناتوان بودند و نمونه‌اش معاهده «گندمک» در زمان امیر محمد یعقوب خان، پسر امیر شیرعلی خان، و پیمان «دیورند»^۲ در زمان عبدالرحمان خان، سردار بعدی، بود. این معاهده‌ها با انگلیسی‌ها بسته شد و به موجب آن قسمت‌هایی از خاک افغانستان نظیر هرات و قندهار، خارج از قلمرو افغانستان شناخته می‌شد.

محمود طرزی، شاعر و نویسنده نوپرداز و متجدد افغانستان، دربارهٔ اوضاع عهد امیر عبدالرحمان خان (۱۲۵۴ش-۱۲۷۶ش) می‌نویسد: «هیچ کس بر جان خود، بر مال خود، بر مأموریت خود هیچ آگاهی نداشت. روزی نبود که قتل‌ها، اعدام‌های رقم‌رقم با عقوبت‌ها و عذاب‌های گوناگون و نهب‌ها و تاراج‌های از حدافزون به وقوع نمی‌آمد. ضبط املاک، مصادرهٔ اموال، فراری ساختن با عیال و اطفال از وقایع دایم‌الاجرای بود. مأمورین و حکام بعد از عزل، سرومال می‌شدند.» (ر.ک: طرزی ۴)

می‌گویند روزی که امیر عبدالرحمان خان چشم از زندگی پوشید، هنوز در زندان‌های شهر کابل دوازده هزار مرد و هشت هزار زن به یادگار ادارهٔ او باقی بود و این تعداد به نسبت تعداد نفوس آن روز رقمی بسیار درشت است. روی هم رفته، مرحوم غبار، مورخ افغانستان، به حق داوری کرده است که مجازات فجیع امیر عبدالرحمان خان در روحیهٔ مردم مخصوصاً شهرنشینان اثر منفی خطیری گذاشت و به رشادت و هوش ملی مردم افغانستان صدمهٔ هولناک زد. مردم در حالی که از شنیدن نامش بر خود می‌لرزیدند و مرگ او را به دشواری باور می‌کردند، در مرگش شادی‌ها کردند و در گورش آتش‌ها افروختند و آوازه درافتاد که «خدایی سوخته است.» (غبار، افغانستان در مسیر تاریخ ۶۹۹)

«هیچ نقطهٔ درخشانی در این عهد دیده نمی‌شود. بی‌اعتنایی امیر در این زمینه تا جایی بود که می‌توان آن را تعند و تعمد او در جلوگیری از فرهنگ نامید. زیرا او خود از تمدن و فرهنگ جدید جهان آگاه بود. اما یک مکتب نساخت و یک روزنامه تأسیس نکرد. در حالی که افغانستان در هر دو سابقه داشت. تنها چند چاپخانه وارد کرد. چند کتاب و رساله بر مبنای اطاعت اولوالامر و تحویل دادن مالیات در سر موعود و چند نظامنامهٔ اداری چاپ نمود. بر عکس، مطبوعات و رسالات مسموم‌کنندهٔ خرافی و اساطیری از هند انگلیسی مانند سیل در افغانستان می‌ریخت و نسل جوان کشور را به رجعت قهقرایی به جانب فالگیری و اوهام و تاریکی رهنمون می‌نمود.» (آهنگ ۱۶)

به این ترتیب، طبیعی بود اگر در چنین اوضاعی نظم و نثر شاعران و نویسندگان، معدود و ضعیف باشد و غزل‌ها که به تقلید از متأخران ساخته می‌شد، مبتذل شود و قصاید کم‌مایه و بی‌پایه و نثرها یکنواخت و تقلیدی و فاقد متانت و سادگی قدیم و عاری از صنایع بدیعی گردد. با همهٔ این احوال ذوق ادبی ملت از میان نرفته بود. یک تعداد شاعران، نویسندگان، ادیبان و دانشوران پیدا شدند که نگذاشتند روشنایی علم و ادب در سرزمینی که روزگاری کانون فضل و علم و فرهنگ آسیای میانه بود، خاموش شود. البته این آثار به پایه و مایهٔ گذشتگان نمی‌رسید. بخشی از این آثار متأسفانه در اثر اغتشاش‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی نابود شده‌اند. در میان آنچه مانده است به‌ندرت اثر قابل‌اعتنایی دیده می‌شود. (غبار، تاریخ ادبیات افغانستان ۳۲۸-۳۳۳)

اهل تحقیق از خانواده‌های چندی خبر می‌دهند که در عهد ابدالیان و بعد از آن صاحب علم و فضل بوده‌اند. چون خانوادهٔ خان علوم بارکزائیان قندهار، خانوادهٔ علمی سلجوقیان هرات، خانوادهٔ وکیل‌الدوله، خانوادهٔ میرزایان برناباد، خانوادهٔ مجددیان نقشبندی، خانوادهٔ شیخ سعدالدین احمد انصاری و ...

از شاعران غزل سرا و قصیده پرداز این دوران که منشیان و گاه مأمورین عالی رتبه نیز بودند، می توان از غلام محمد طرزی، میرزا محمد نبی واصل، میرزا محمد حسن چنداولی، حیرت کابلی، گوهری بلخی و عشرت قندهاری نام برد. (رضوی، «سرگذشت دردناک فارسی در افغانستان معاصر» ۱۷۶)

در زمینه نثر فارسی پس از تاریخ احمدشاهی محمود منشی حسینی منشی دربار احمدشاه ابدالی، ذکر نام چند نویسنده و آثار آنان ضرورت می یابد: ۱- میر احمد اظهر (۱۲۰۶-۱۲۶۹): طریق الطالبین، کنز السالکین، سیل الرشاد ۲- حسن علی (از معاصران امیر دوست محمد خان): حبیب القلوب، مجموعه خوارق ۳- میر یاری بیگ (۱۲۹۸): تذکره لعل بدخشان ۴- حبیب الله قندهاری (۱۲۱۳-۱۳۱۹) حاشیه زیج الغیبگی، محبت الهی و ... ۵- میر محمد نبی احقر (۱۲۶۹): حدایق الحقایق، تکمله الریاض ۶- یعقوب علی کابلی (۱۲۰۷): تاریخ پادشاهان متأخر افغانستان ۷- نور محمد قندهاری (۱۲۸۷): گلشن امارت ۸- شاه شجاع (۱۲۵۸): واقعات شاه شجاع ۹- محمد یوسف ریاضی (۱۳۲۰): بحر الفوائد ۱۰- سید عبدالکریم حسینی (۱۳۰۲): بهار بدخشان، تذکره مفرح الاحباب ۱۱- سلطان محمد خالص: تاریخ سلطانی در احوال سلاطین درانی ۱۲- قاضی عبدالرحمان خان علوم: ردّ عقاید وهابیه غویه - ترجمه ۱۳- ملا عبدالرحمان مشهور به خان ملاخان (۱۳۰۹): حجه قویه در ابطال عقاید وهابیه ۱۴- امیر عبدالرحمان خان (۱۳۱۹) پندنامه دنیا و دین، تاج التواریخ ۱۵- جمعی از علما: تقویم الدین که به امر امیر عبدالرحمان خان تألیف شده است ۱۶- عبدالسبحان: جنگ روم و روس - ترجمه و ... (انور ۱۱۳-۱۲۹، پوهاند دکتر جاوید ۱۳۰-۱۴۷)

بعد از امیر عبدالرحمان خان، پسرش، حبیب الله خان معروف به سراج المله و الدین (۱۲۴۶ش-۱۲۹۴ش) روی کار آمد. امیر حبیب الله خان در دوران امارت هجده ساله خود، چند مدرسه تأسیس کرد که مهمتر از همه یکی مدرسه ملکی بود به نام «مکتب حبیبیه» و دیگری مدرسه نظامی به نام «مکتب حربیه». مکتب حبیبیه اگرچه بعد از چهارده سال فقط نوزده فارغ التحصیل داشت، اما از جهت نهضت های نوینی که از این مراکز آموزشی مایه گرفت، خیلی مهم بود. چندین جمعیت کوچک و بزرگی که دست به فعالیت های سیاسی زدند، افرادشان به نحوی با این مکتب در ارتباط بودند. (غبار، افغانستان در مسیر تاریخ ۷۰۳)

مهمترین کتابی که در این دوره و در واقع زیر نظر مستقیم امیر تألیف شد، سراج التواریخ، مفصل ترین تاریخ افغانستان نوین، به قلم فیض محمد کاتب بن سعید معروف به هزاره بود. کتاب های معدود دیگری آن هم در زمینه تاریخ در این دوره به چاپ رسید مانند: «محاربه روس و جاپان» ترجمه محمود طرزی در پنج جلد، «قواعد سراج در خریداری مال از دول خارجه»، «سراج ارکان اسلام» و ...

در این دوره وضع ادب فارسی در سنجش با دوره های پر آشوب پیشین با توجه به تأسیس مدارس نوینی چون حبیبیه که فارغ التحصیلان باسوادی از آن بیرون آمدند و همچنین بازگشت بسیاری از تبعیدیان دانشور به کشور،